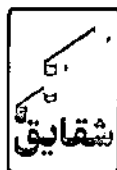


به نام خدا

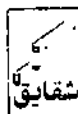
مریم پائیزی

نوشته:

الهه محمدی



سرشناسه	: محمدی، الهه، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: مریم پاییزی/نوشته الهه محمدی.
مشخصات نشر	: تهران: شقایق، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۶۶ ص.
شابک	: ۲۵۰۰۰ ریال: 9-009-216-964-978
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۸ م۴ ۸۲۶۳۴ ح/۲ PIRAT۰۳
رده بندی دبیوی	: ۸۱۶۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۷۳۹۶۹۷



مریم پاییزی

نوشته: الهه محمدی

حروفچینی و ویرایش: پروانه طاهری

چاپ اول: ۱۳۸۸

چاپ: پیک ایران

تیراژ: ۳۰۰۰

بها: ۴۵۰۰۰ ریال

شابک: 9-009-216-964-978 ISBN: ۹۷۸۹۶۴۲۱۶۰۰۰۹۹

خیابان انقلاب، خ ۱۲ فروردین، کوچه بهشت آئین، پلاک ۱۶

تلفن: ۶۶۴۰۱۷۷۲-۶۶۴۹۶۸۲۸-۶۶۴۰۳۲۹۹

نمابر: ۶۶۴۹۶۶۹۲

www.shaghayegh-publish.ir
www.shaghayegh.taksell.com

تقدیم به نازنین ترین مریم...
تقدیم به روشن ترین نگاه... نگاه بی قرار «مادر»...

مقدمه:

قاب معصومانه چشمانت چه آسان با نور سرگردان می چرخید اما با
من حرف می زد...

گفتم: در عین غریبگی چه آشنا نگاهی داری!

گفتی: غریب تر از این نگاه، غریبانه تر در جهانم!

گفتم: چه تلخ و تنها!

گفتی: تنها تر از سکوت در شب های تار.

گفتم: چه قدر آرامی، اما این نگاه و دلی این همه پرتلاطم؟

گفتی: مثالی روشن تر از چشمانم برای آرامش قبل از توفان؟

گفتم: نگاهت چه بهاری است...

چنان نگاهت روی صورتم ثابت و تلخی زهرخندت به کامم تلخ شد

که رشته افکارم را پاره کرد. مستی قلبم رو فشرد و مردمک ثابت نگاهم

زیر پلک هایم خزید تا شاهد نیشخندت نباشد...

قلبم به مانند نگاه پر معنایت توفانی شد و زمزمه وار نجوا کردم چرا این

همه خزان زده و سرد...

من در پس نگاه غم زده ات دنبال سبزترین نماد از عشق بودم چرا رخ

ارغوانیت را مقابل نگاهم نمایان کردی؟

به دنبال آرامشی در حریر نگاه روشنت می‌گشتم تا وجودم را گرما
بخشی، اما از آرامش‌های دنیا دست شسته و غم را هم خانه‌ی وجودت
کرده بودی...

دست گرم و پرامیدم را به سوی دست‌های یخ‌زده‌ات پیش آوردم تا
گرما بخش زندگی نیلی‌زده‌ات شوم اما با سرسختی نگاهت را از چشمان
بی‌قرار و منتظرم برگرداندی.

به انتظار فروغی روشن اما پراالتهاب چشم به راهت نشستم تا خزان
رویت را پشت زمستان تن جا بگذاری.

بار و بنه ارغوانی روزگار جمع شد تا ریشه خود را به سپیدترین فصل
عشق پیوند زند. یخ وجودت ذوب شود و گلبرگ‌های آشنای سبز بهار
میهمان لب‌های سرخت شود تا قلبت پذیرای عشقی بی‌قرار، که با تمام
وجود بهار را برایت طلب می‌کنم.

ای قشنگ‌ترین گل... نازنینم... مریمم...